

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان فارسی نهم از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

۱- **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۸ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

(الف) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند.

(ب) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون شماره ۵ تا ۸ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا چهار آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌های شما باشد که معلمان از شما خواهد گرفت.

۲- **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۲۴ از کل کتاب است. این آزمون‌ها از آزمون‌های **هماهنگ استانی** انتخاب شده است. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

(الف) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۶ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند، هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط با آن درس را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۱۰ نمره دارند در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل هماهنگ استانی را می‌بینید. ما فقط آن‌ها را طبقه‌بندی کرده‌ایم.

(ب) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۱۷ تا ۲۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش ۸ آزمون هماهنگ استانی را بدون هیچ تغییری می‌بینید.

۳- **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

۴- **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند (🌀) در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی نهم نیاز دارید، تنها در ۱۹ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذت‌ش را ببرید! **یک راه‌کار:** موقع امتحان‌های نوبت اول، می‌توانید از سؤال‌های درس‌های ۱ تا ۹ آزمون‌های ۹ تا ۱۶ هم استفاده کنید.

فهرست

شماره صفحات

نوبت	آزمون	پاسخ‌نامه
اول	۳	۳۵
اول	۴	۳۵
اول	۵	۳۵
اول	۷	۳۵
اول	۸	۳۶
اول	۹	۳۶
اول	۱۰	۳۶
اول	۱۱	۳۷
دوم	۱۲	۳۷
دوم	۱۴	۳۷
دوم	۱۶	۳۷
دوم	۱۸	۳۸
دوم	۲۰	۳۸
دوم	۲۲	۳۸
دوم	۲۴	۳۸
دوم	۲۶	۳۹
دوم	۲۷	۳۹
دوم	۲۸	۳۹
دوم	۲۹	۴۰
دوم	۳۰	۴۰
دوم	۳۱	۴۰
دوم	۳۲	۴۰
دوم	۳۳	۴۱
دوم	۳۴	۴۱
۴۲		

درس‌نامه توپ برای شب امتحان

بازمبندی درس

فارسی نهم

موضوع	نوبت اول	نوبت دوم	
		نیمه اول	نیمه دوم
معنی شعر و نثر	۳	۱	۲
شناخت و معنی واژه	۱	۰/۵	۱
درک متن	۲	۰/۵	۱
دانش‌های زبانی و ادبی	۲	۰/۵	۱/۵
خودارزیابی	۱/۵	۰/۵	۱
تاریخ ادبیات	۰/۵	-	۰/۵
جمع	۱۰		۱۰

ردیف	فارسی	نوبت اول	زمان آزمون: ۴۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
		آزمون شماره ۱		پایه نهم متوسطه اول	
۱	معنی و مفهوم بیت زیر را بنویسید. «ستودن نداند گس او را چو هست میان، بندگی را بیایدت بست»				۱
۲	پیام بیت «سعدیا، راست‌زوان گوی سعادت بردند/ راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار» را بنویسید.				۰/۵
۳	گزینه درست را انتخاب کنید. «کیمیای سعادت» اثر کیست؟ <input type="checkbox"/> (۱) محمد غزالی <input type="checkbox"/> (۲) احمد غزالی				۰/۲۵
۴	در متن زیر، غلط‌های املائی را پیدا کنید و شکل درست آن‌ها را بنویسید. «هر چه در وجود است، همه سنع خدای تعالی است: چون کوه‌ها و نهرها و رعدوبرق و قوس قزح ...»				۰/۵
۵	در گروه اسمی «این چهار دانش‌آموز» وابسته‌ها را پیدا کنید و انواع آن را بنویسید.				۰/۵
۶	معنی عبارت مقابل را بنویسید. «درختی که تو امروز نشانی، میوه آن کجا توانی خورد؟»				۰/۵
۷	هم‌خانواده واژه‌های زیر را بنویسید. (برای هر کدام ۱ مورد) غنیمت:				۰/۵
۸	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) مصاحبت با دوست خوب به ما آرامش می‌دهد. ب) تنهایی یکی از سنگین‌ترین مصائب است. پ) سگ اصحاب کهف ت) همدم نیکوخال باعث پرورش شخصیت انسان است.				۱
۹	اخلاق ناصری نوشته کیست؟				۰/۲۵
۱۰	هنگام سخن گفتن دیگران به چه نکاتی باید توجه کرد؟				۰/۷۵
۱۱	با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «بدان که مردم بی‌هنر، مادام بی‌سود باشد، چون مغیلان که تن دارد و سایه ندارد ... جهد کن که اگر چه اصیل و گوهری باشی، گوهر تن نیز داری که گوهر تن از گوهر اصل بهتر بود ...» الف) یک تشبیه در این متن بیابید و ارکان اصلی آن را بنویسید. ب) نویسنده این متن چه چیزی را از اصل و نسب ارزشمندتر می‌داند؟ پ) معنی واژه مشخص شده را بنویسید. ت) منظور از «گوهری بودن» در این متن چیست؟ ث) به اعتقاد نویسنده، انسان بی‌ثمر چه انسانی است؟				۰/۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵
۱۲	با توجه به غزل «یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان ...»، چه چیزی پذیرش سختی‌ها را برای حافظ آسان کرده است؟				۰/۷۵
۱۳	معنی و مفهوم بیت زیر را بنویسید. «دریغ است ایران که ویران شود گنم پلنگان و شیران شود»				۱
۱۴	در بیت زیر آرایه تضاد را مشخص کنید. «دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود»				۰/۵
۱۵	منظور از عبارات کنایی زیر را بنویسید. الف) شمع وجودش به خاموشی می‌گرایید. ب) دیده از جهان فروبست.				۰/۵
	جمع نمرات	موفق باشید			۱۰



شماره	فارسی	نوبت دوم	زمان آزمون: ۴۰ دقیقه	kheilisabz.com
ردیف	آزمون شماره ۷			پایه نهم متوسطه اول
۱	الف) معنی شعر و نثر ابیات و عبارات زیر را به فارسی روان بازنویسی کنید.	سعدیا راست‌زوان گوی سعادت بردند	راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار	۱
۲	مکن کاری که بر پا سنگت آید	جهان با این فراخی تنگت آید		۱
۳	در بصره قحطی عظیم پیدا شد و خواهران متفرق شدند و رابعه به دست ظالمی افتاد.			۱
۱/۵	ب) معنی واژه معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.			
۴	ابلیس زهره ندارد.			
۵	هشدار که منجی جهان آمد.			
۶	تو خود را مرنجان ای طزار.			
۷	نمی‌بینی کسی که به دردی دچار شد، خضوع می‌کند.			
۸	اسکندر یکی از کارداناں را از عملی شریف عزل کرد.			
۹	زمین زنده، چون دیبای هفت‌رنگ گردد.			
۱۰	پ) درک متن چرا شاعر می‌گوید: «برایت آرزومندم که دشمن نیز داشته باشی، نه کم و نه زیاد...»؟			۰/۵
۱۱	با توجه به درس «زنِ پارسا» بنویسید که منظور از «دوست» و «دوست دیگر» در عبارت زیر چیست؟ «اگر یک دوست، خفته است، دوست دیگر بیدار است.»			۰/۵
۱۲	منظور خواجه نصیر توسی که در جواب دوستش گفت: «تو می‌خواهی بخوانی و من می‌خواهم بدانم» چه بود؟			۰/۵
۱۳	ت) دانش‌های زبانی و ادبی در بیت «همی‌خواهم از کردگار جهان / شناسنده آشکار و نهان» کدام آرایه ادبی وجود دارد؟			۰/۵
۱۴	در میان گروه کلمه‌های زیر، واژه‌هایی که غلط املایی دارند را بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید. «تصویر مار بوآ، حضم غذا، وداع و خداحافظی، هُدس و گمان، مالک ستارگان»			۰/۵
۱۵	درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص کنید. الف) در عبارت «بر کمانش تیر آرش را نمی‌دیدند.» آرایه تلمیح وجود دارد. ب) فعل «می‌گذشت» ماضی مستمر (جاری) است.	<input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست	<input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست	۰/۵
۱۶	ث) خودارزیابی مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی رابعه عدویه چه بود؟			۱
۱۷	چرا خداوند بزرگ نعمت «تفکر و اندیشیدن» را به انسان بخشید؟			۱
۱۸	ج) تاریخ ادبیات نام پدیدآورندگان هر کدام از آثار زیر را بنویسید. کودکی از جنس نارنجک: تذکره‌الاولیا:			۰/۵
۱۰	جمع نمرات	موفق باشید		

پاسخ نامه

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- کسی نمی‌تواند او را آن‌گونه که شایسته اوست ستایش کند؛ پس فقط باید برای بندگی او آماده شد. (ندانند = نمی‌تواند، میان‌بستن = آماده‌شدن)
- ۲- موفقیت و پیروزی آدمی به درستکاری او بستگی دارد و اگر کسی راه درست را کنار بگذارد به هدف و مقصد اصلی که خوشبختی انسان است، نخواهد رسید. (هواستون به کنایه‌های پیدت باشه!)
- ۳- گزینه «۱» محمد غزالی
- ۴- سنع ← صنع، قوص قزح ← قوس قزح
- ۵- این ← نوع ← وابسته پیشین، چهار ← نوع ← وابسته پیشین (وابسته‌های پیشین پیش از هسته میان و وابسته‌های پسین بعد از هسته، پس اول باید هسته رو پیدا کنی!)
- ۶- درختی که تو امروز می‌کاری کی می‌توانی میوه‌اش را بخوری؟ (نمی‌توانی و عمرت به تو این فرصت را نمی‌دهد. در معنی کردن، به پرسش انکاری دقت کنیدا!)
- ۷- غنیمت: مغتنم، غنائم / رابطه: ربط، ارتباط، مرتبط (برای هر کدام ذکر یک نمونه کافی است.)
- ۸- الف) همنشینی، دوستی
ب) بلاها و سختی‌های بزرگ، جمع «مصیبت»
پ) یاران، جمع «صاحب» / ت) ویژگی‌ها، جمع «خصلت»
- ۹- نوشته خواجه نصیرالدین توسی
- ۱۰- وقتی دیگران با هم سخن می‌گویند به گفت‌وگوی آن‌ها دقت نکنیم و اگر بخواهند چیزی را از ما پنهان کنند، به دنبال شنیدن آن نباشیم و تا زمانی که ما را در گفت‌وگویشان شرکت نداده‌اند، مداخله نکنیم.
- ۱۱- الف) تشبیه انسان بی‌هنر به بوتۀ مغیلان ← انسان بی‌هنر «مشبه» و بوتۀ مغیلان «مشبه‌به» (معنی مغیلان یادتان هست؟ بوتۀ خار که به هیچ دردی نمی‌خورد.)
ب) گوهر تن: یعنی قابلیت‌هایی که خود انسان در طول زندگی کسب می‌کند.
پ) گیاهی خاردار که میوه‌هایی شبیه باقلا دارد. (در قدیم فکر می‌کردند که دیوها و غول‌های بیابانی زیر این بوته‌ها پنهان می‌شوند و مسافران را گمراه می‌کنند.)
ت) انسان با اصل و نسب
ث) انسانی که بی‌هنر و بی‌فضیلت باشد و برای مردم سودی نداشته باشد.
- ۱۲- توکل به خدا، امید به لطف او و یاری‌گرفتن از دعا و قرآن کریم
- ۱۳- مایه تأسف است اگر بگذاریم ایران شکوه خود را از دست بدهد و تسلیم بیگانگان شود.
- ۱۴- دانا و نادان - دشمن و دوست
- ۱۵- الف) در حال مرگ بود، در حال جان‌کندن بود.
ب) مُرد، از دنیا رفت.



آزمون شماره ۱۷ (نوبت دوم)

- ۱- ای سعدی، انسان‌های درستکار به خوشبختی رسیدند، تو نیز درستکار باش، زیرا انسان‌هایی که درستکار نیستند هرگز به هدف نمی‌رسند.
- ۲- کاری نکن که برایت مشکلی پیش بیاید و این جهان بزرگ و گسترده برایت تنگ و خسته‌کننده شود.
- ۳- در شهر بصره خشکسالی بزرگی اتفاق افتاد و خواهرهای رابعه (برای یافتن رزق و روزی) از آن شهر رفتند و رابعه هم به دست ارباب ظالمی افتاد.
- ۴- جرئت، شهامت
- ۵- نجات‌دهنده، نجات‌بخش
- ۶- دزد، راهزن
- ۷- فروتنی کردن، تواضع
- ۸- از شغل برکنار کردن
- ۹- پارچه ابریشمی رنگین
- ۱۰- تا آن‌ها دوست شاعر را نقد کنند و او به خودش مغرور نشود.
- ۱۱- منظور از دوست، رابعه و دوست دیگر خداوند است.
- ۱۲- انگیزه من برای درس خواندن بیشتر از توست، چون من می‌خواهم به دانایی برسم اما تو فقط می‌خواهی قبول شوی.
- ۱۳- آرایه تضاد: آشکار و نهان
- ۱۴- حضم غذا ← هضم غذا، هوس و گمان ← حدس و گمان
- ۱۵- الف) درست ب) نادرست (ماضی استمراری است.)
- ۱۶- سخت‌کوشی، شب‌زنده‌داری و عبادت، رضای خدا را در نظر داشتن
- ۱۷- تا در جهان خلقت و نعمت‌های خداوند بیندیشد و به شناخت و معرفت برسد.
- ۱۸- محمد دهریزی - عطار نیشابوری



درس ۱

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

شاید معنی این واژه‌ها را ندانی

مَلِک: پادشاه، فرمانروا (این جا: خداوند)	ذکر: یاد، وردی که مدام بر زبان بیاورند
کزین: که از این	گردان: گردنده، چرخنده
سپهر: آسمان	فروزنده: روشن کننده
ناهید: سیاره زهره	مهر: خورشید
بیننده: چشم (بینندگان: چشم‌ها)	مرنجان: رنج نده، به زحمت نینداز
بدو: به او	
میان بستن: بستن کمربند، کنایه از آماده شدن برای کاری	
بُرنا: جوان	دیده: چشم
بامداد: صبح زود	لیل: شب
نهار: روز	اقرار: اعتراف
فکرت: فکر، اندیشه، تأمل	
تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن، نیایش کردن	
مستمع: شنونده	جهالت: جهل، نادانی
الوان: جمع «لون»، رنگ‌ها	عنب: انگور
حَقّه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر نگهداری می‌شود.	
تقدیر: فرمان خداوند، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده است.	مسخر: رام و مطیع
گرم: بخشش، بزرگی	انعام: بخشش، نعمت دادن
گوی بردن: پیشی گرفتن، پیروز شدن (گوی سعادت بردن: کنایه از خوشبخت و سعادت مند شدن)	
کج رفتار: کسی که رفتار نادرست دارد.	درنگ: صبر، تأمل
معرفت: شناخت، علم	

معنی و مفهوم

به نام خداوند جان و خرد

به نام خداوند جان و خرد
 کزین برتر اندیشه برنگذرد
 کارها را با نام خداوندی آغاز می‌کنم که جان و اندیشه را به ما داده است، زیرا که اندیشه انسان نمی‌تواند از این فراتر برود.
خداوند نام و خداوند جای
 خداوند روزی ده رهنمای
 خداوندی که نام و اعتبار و جایگاه را او به ما می‌بخشد، او که به ما روزی می‌دهد و ما را راهنمایی می‌کند.
خداوند کیوان و گردان سپهر
 فروزنده ماه و ناهید و مهر
 آفریننده سیاره زحل و آسمان چرخنده و روشنایی بخش ماه و سیاره زهره و خورشید.

به بینندگان، آفریننده را

نبینی، مرنجان دو بیننده را ای انسان! با چشمانت نمی‌توانی خداوند را ببینی، پس چشم‌هایت را به زحمت نینداز.

مفهوم ناتوانی انسان در دیدن خدا نیابد بدو نیز، اندیشه راه

که او برتر از نام و از جایگاه فکر و اندیشه انسان توانایی درک او را ندارد زیرا او از هر نام و جایگاهی برتر است و در آن نمی‌گنجد.

مفهوم ناتوانی انسان در درک خداوند ستودن نداند کس او را چو هست

میان بندگی را ببايدت بست هیچ کس نمی‌تواند او را به شایستگی ستایش کند، بنابراین فقط باید برای بندگی کردن او آماده باشی و از او فرمان ببری.

مفهوم ناتوانی انسان در ستایش خداوند توانا بود هر که دانا بود

ز دانش، دل پیر برنا بود دانایی موجب توانایی است و به خاطر دانش، دل انسان پیر هم جوان و پویا می‌شود.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار در اولین روزهای بهاری که طول شب و روز یکسان است، تماشای بهار در دشت و صحرا چه لذتی دارد!

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار آفرینش همه جهان برای آگاهی ما از وجود خداوند جان‌هاست و کسی که با وجود تمام نشانه‌های خلقت خداوند، به وجود او اعتراف نمی‌کند، دلش مرده است و حقیقت را نمی‌فهمد.

این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار با وجود این همه زیبایی‌های شگفت‌انگیز آفرینش، هر کس که به این نشانه‌ها فکر نکند، مثل نقاشی روی دیوار است، یعنی زنده نیست و درکی از حقیقت ندارد.

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند

نه همه مستمعی فهم کند این اسرار همه جهان در حال ستایش و نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده‌ای صدای آنان را نمی‌شنود و این رازها را درک نمی‌کند.

مفهوم تمام جهان در حال عبادت و ستایش خدا هستند و فقط انسان آگاه می‌تواند این را درک کند.

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند

آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار هیچ می‌دانی که پرندگان هنگام سحر، در حقیقت ما را صدا می‌کنند که از خواب جهل و نادانی بیدار شویم؟

تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

تا کی می خواهی مثل گل بنفشه سرت به سوی پایین باشد و گرفتار نادانی و گمراهی باشی؟ حیف است که چشم نرگس (همه موجودات) رو به حقایق هستی باز باشد و تو بی توجه و غافل باشی.

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟

یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار؟

جز خدا چه کسی می تواند از شاخه های درختان، میوه های رنگارنگ به وجود بیاورد؟ یا از خار، گل صد برگ بیرون بیاورد؟

عقل حیران شود از خوشه زرین عنب

فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار

عقل از دیدن خوشه طلایی رنگ انگور شگفت زده می شود و فهم از درک نظم دانه های انار که مثل یاقوتی در جعبه ای نشسته اند، ناتوان است.

مفهوم ناتوانی انسان در درک چگونگی خلقت و شگفتی هایش

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز

ماه و خورشید مستخر کند و لیل و نهار

خداوند پاک و بی عیبی که با برنامه ریزی های دقیق او، ماه و خورشید و شب و روز رام و فرمانبردار او شده اند.

مفهوم همه جهان به فرمان خداوند پاک و بی عیب است.

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او

همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

اگر همه موجودات تا روز قیامت از بزرگی و بخشش و مهربانی خداوند بگویند، باز هم کم است و یکی از هزاران هم گفته نشده است.

مفهوم ناتوانی انسان در برشمردن مهربانی و بزرگی و بخشش خدا

نعمت بارخدا یا ز عدد بیرون است

شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار

خداوندا، تو نعمت های بی شماری به ما دادی و انسان هرگز نمی تواند از تمام نعمت های تو سپاسگزاری کند.

مفهوم ناتوانی انسان در شکرگزاری خداوند

سعدیا راستروان گوی سعادت بردند

راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

ای سعدی، درستکاران سعادت مند و پیروز می شوند، تو نیز درستکار باش چون انسان بد رفتار هرگز به مقصود و هدفش نمی رسد.

حکایت: سفر

پیوسته در خود سفر می کنم، تا هر چه نباید، از خود دور گردانم.

مدام به خود توجه می کنم و به اندیشه ها و رفتارم دقت می کنم تا هر چه را ناپسند است، از خود دور کنم.

واژه هایی که ارزش املائی دارند

ذکر - سپهر - فروزنده - ناهید - ستودن - نهار - تشبیه - اقرار - فکرت - تسبیح - مستمع - اسرار (جمع سز) - جهالت - غفلت - حیف - الوان - خار - حیران - خوشه - زرین - عنب - عاجز - فهم - حقه - یاقوت - تقدیر - مستخر - انعام - شکر گزار - معرفت

هم خانواده ها

ذکر؛ مذاکره؛ تذکر
تسبیح؛ سبحان
انعام؛ نعمت؛ مُنعم؛ نعيم
اقرار؛ مقرر؛ تقریر
مستمع؛ استماع؛ سمع
جهالت؛ جهل؛ جاهل؛ مجهول

غفلت؛ غافل؛ مغفل
عاجز؛ عجز؛ معجزه؛ عجوزه
تقدیر؛ مقدر؛ قادر؛ مقدور
معرفت؛ عرفان؛ تعریف؛ معرفتی؛ عرف
حیران؛ حیرت؛ متحیر؛ تحیر
فهم؛ فهیم؛ مفهوم؛ تفهیم
مستخر؛ تسخیر

خودارزیابی

۱- چند نمونه از جلوه های زیبایی آفرینش و نعمت های خدا را در درس

بیابید و بیان کنید.

میوه های رنگارنگ، گل صد برگ، خوشه طلایی انگور، دانه های انار

۲- مفهوم آیه ۴۴ سوره «اسراء» با کدام بیت درس، تناسب دارد؟

آیه این است: ﴿تَسْبِیحُ لَہُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِیہِنَّ وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِہِ وَ لَکِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیْحَہُمْ اِنَّہُ کَانَ حَلِیْمًا غَفُورًا﴾

ترجمه: «آسمان های هفت گانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه خدا را ستایش می کنند و هیچ موجودی نیست، مگر که حمد و ستایش او را بگوید. اما شما تسبیح و ستایش آنها را درک نمی کنید، و به درستی که خدا بردبار و آمرزنده است.»

مفهوم این آیه با بیت چهارم درس ارتباط و تناسب دارد:

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند

نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

۳- پیام بیت پایانی شعر را توضیح دهید.

برای رسیدن به سعادت و خوشبختی، باید در گفتار و کردارمان راستی و حقیقت را رعایت کنیم، چون با رفتار نادرست به مقصد خود نمی رسیم.

نکات ادبی و زبانی

● برای زیبایی سخن و بیان زیباتر و دلنشین تر منظور خود، از ادبیات بهره می گیریم. به همین دلیل ادبیات را زبان هنری یا زبان برتر می نامند. شعر هم جلوه ای از زبان ادبی است.

● برای زیبا و جذاب کردن زبان هنری، از آرایه های ادبی استفاده می شود. سال های گذشته آرایه تشبیه، جان بخشی و مراعات نظیر (تناسب) را آموختید که آنها را مرور کوتاهی می کنیم.

تشبیه

تشبیه یعنی چیزی یا کسی را مانند کسی یا چیزی دیگر دانستن.

مثال دندان های او مانند مروارید سپید است.

تشبیه چهار رکن دارد:

رکن اول: مشبه، یعنی چیزی یا کسی که آن را به چیزی یا کسی دیگر شبیه می دانیم؛ در مثال: دندان ها.

رکن دوم: مشبه به، یعنی چیزی یا کسی که مشبه را به آن مانند کرده ایم؛ در مثال: مروارید.

رکن سوم: وجه شبه، ویژگی مشابهی که باعث شده آن دو چیز را شبیه هم بدانیم؛ در مثال: سپید بودن.

رکن چهارم: ادات تشبیه، یعنی واژه ای که به کمک آن شبیه بودن دو چیز را نشان می دهیم؛ در مثال: مانند.

رکن سوم و چهارم تشبیه می توانند حذف شوند.

مثال

عقل حیران شود از خوشه زرین عنب

فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار

تشبیه ۱: خوشه انگور مانند طلا، طلایی رنگ است.

تشبیه ۲: انار مثل جعبه کوچک دانه های یاقوت است.

به این آرایه تشخیص یا شخصیت بخشی هم می گویند. وقتی ویژگی مخصوص انسان را برای موجودی غیرانسانی به کار ببریم، از آرایه جان بخشی استفاده کرده ایم.

مثال

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند

نه همه مستمعی فهم کند این اسرار
ویژگی تسبیح و عبادت کردن که کاری انسانی است به کوه و دریا و درختان نسبت داده شده است.

مراعات نظیر (تناسب)

وقتی چند واژه را که از نظر معنایی به هم نزدیک اند، کنار هم به کار ببریم، از آرایه مراعات نظیر استفاده کرده ایم.
مثلاً در بیت بالا، کوه و درختان و دریا، همه از عناصر طبیعت هستند و کنار هم به کار رفته اند.

نکته املائی

گاهی تغییر در یک واج، باعث تغییر در معنای آن می شود. مثلاً واژه «انعام» به معنای چهارپایان و واژه «انعام» به معنی بخشش و نعمت دادن است.

تاریخ ادبیات

سنایی غزنوی: شاعر و عارف معروف ایرانی قرن ۶ و ۷، از آثار او: حدیقه الحقیقه، سیرالعباد الی المعاد، کارنامه بلخ
ابوالقاسم فردوسی: شاعر قرن چهارم و پنجم، ۲۵ یا ۳۰ سال را به سرودن شاهنامه گذراند. او در پاسداشت زبان فارسی نقش مهمی داشت.
سعدی: مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی، شاعر قرن ۷، آثار: بوستان (نظم)، گلستان (نثر آمیخته به نظم) و کلیات شامل قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی
محمد بن متور: از نوادگان ابوسعید ابوالخیر (از عارفان بزرگ ایران) که کتابی به نام اسرارالتوحید در شرح حال او نوشت.

درس ۲

عجایب صنع حق تعالی

شاید معنی این واژه ها را ندانی

- صنع: آفرینش، احسان، ساختن و نیکویی کردن
- تعالی: بلندپایه، بلندمرتبه
- بَرَ: خشکی
- میغ: ابر، سحاب
- جواهر: جمع «جوهر»، گوهرها
- آیات: جمع «آیه»، نشانه ها، علامت ها، هر عبارت قرآن که بدان وقف کنند.
- بساط: فرش، گستردنی، هر چیز گستردنی مانند فرش و سفره
- جوانب: جمع «جنب»، دور و اطراف
- فراخ: گسترده، پهن
- منحنی: خمیده
- مرغان: پرندگان
- قندیل: مشعلی که از سقف آویزان کنند، چراغ آویز، چراغ دان
- سریر: تخت، اورنگ
- مُلک: پادشاهی، مملکت، فرمانروایی، سرزمین
- قناعت: خرسندبودن به مقدار کم، خشنودبودن از آن چه روزی انسان است.

مدهوش: سرگشته، سرگردان

تنیدن: تاربافتن کرم ابریشم یا عنکبوت، تابیدن، بافتن

منزوی: گوشه نشین، آن که از مردم کناره بگیرد.

محبس: زندان

وارهیدن: آزادشدن، رهاشدن

معنی و مفهوم

عجایب صنع حق تعالی

بدان که هر چه در وجود است، همه صنع خدای تعالی است.
آگاه باش که هر چه در عالم آفرینش هست، همه را خدای بلندمرتبه آفریده است.
و علاماتی که در هوا پدید آید، همه عجایب صنع حق تعالی است.
و نشانه ها و شکل هایی که در آسمان پدیدار می شود، همه از شگفتی های آفرینش خدای بلندمرتبه است.
پس اندر این آیات تفکر کن.
پس درباره این نشانه ها بیندیش و فکر کن.
در زمین نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ گسترانیده.
به زمین نگاه کن که چه طور چیزهایی را که لازم داری بر آن گسترده و برای تو آماده شده و اطراف آن را وسیع و گسترده کرده است.

چون دیبای هفت رنگ، بلکه هزار رنگ گردد.
مانند پارچه ابریشمین رنگارنگ می شود.
هر یکی را آن چه به کار باید، داد و هر یکی را بیاموخته که غذای خویش چون به دست آورد.
به هر کس آن چه را نیاز دارد داده و به هر کس آموخته که چه طور غذای خود را به دست بیاورد.

اگر در خانه ای شوی که به نقش و گچ، کنده کرده باشند، روزگاری دراز صفت آن گویی و تعجب کنی.
اگر وارد خانه ای شوی که روی دیوارهایش با نقاشی و گچ کنده کاری کرده باشند، مدتی طولانی درباره ویژگی های آن حرف می زنی و شگفت زده می شوی.
و تو از عجایب این غافل، که خانه بس بزرگ است و چشم تو بس مختصر و در وی نمی گنجد.

و تو از شگفتی های آن ناآگاه و بی خبری، چون این جهان بسیار بزرگ است و چشم و دید تو بسیار محدود و کوچک است و بزرگی جهان در آن نمی گنجد.
از جمال صورت قصر و بسیاری غلامان و سریر ملک وی، هیچ خبر ندارد.
از زیبایی ظاهر قصر و خدمتکاران بسیار زیاد و تخت پادشاهی آن قصر، آگاه نیست.
اگر خواهی به درجه مورچه قناعت کنی، می باش و اگر نه، راحت داده اند تا در بستان حق تعالی، تماشا کنی و بیرون آبی.

اگر می خواهی به سطح دریافت و فهم مورچه قناعت کنی و همین برایت بس باشد، همین گونه بمان، وگرنه به تو امکان و اجازه داده اند که در باغ شناخت جهان خداوند بلندمرتبه گشت و گذار کنی و تماشا کنی و او را بشناسی و از این جهان محدود که در آن هستی، بیرون بیایی.

پرواز

در پيله تا به کی، بر خوبستن تنی؟

پرسید کرم را، مرغ از فروتنی
مرغ از روی تواضع و فروتنی از کرم ابریشم توی پيله پرسید: «تا کی می خواهی در پيله بمانی و دور خودت تار ببافی؟»